بسم الله الرحمن الرحیم

خبر الواحد

جلسه اول\_7 مهر 1397

بعد از آن که اصلی تاسیس شد که هر گاه شکی در حجیت شیئی کردیم، اصل عدم حجیت است و شک در حجیت مساوق است با قطع به عدم حجیت و بعد از آن که اصلی تاسیس شد طبق مسلک قوم که ان الظن لا یغنی من الحق شیئا. وارد این بحث شدیم که آیا از این قانون اولیه که عدم حجیت ظن است، ما موارد استثنا داریم یا نداریم؟

طبیعتا نوبت رسید به این که آن چه را قوم به عنوان موارد اسثنا بیان کرده اند (که ظن حجیت ندارد الا در این موارد،) آن ها را بیان کنیم. بحث شهرت، و اجماع منقول و محصل در همین مسیر بود که آیا دلیلی بر حجیت شهرت، دلیلی بر حجیت اجماع داریم که در عین آن که قطع نمی آورد، در عین آن که ظنی است، حجت باشد یا نه؟ که بحث مفصل این سه نیز گذشت.

مهم ترین موردی که جای بحث دارد و امسال مطرح می شود، بحث خبر واحد است، که آیا خبر واحد جزء آن مستثنیات از ظنون هست یا نه؟

این بحث جزء مهم ترین و پر فائده ترین مباحث اصول است. اگر نگویم پر فائده ترین، یکی از پرفائده ترین بحث ها همین بحث حجیت خبر واحد است. چون شما می دانید قسمت عمده اجتهادات ما بر محور روایات است و روایات متواترة بالخصوص، در فقه یا نداریم یا نادر الوجود است. اخبار فقهی ما اخبار آحاد است. با حجیت این اخبار، باب مفتوح است و با عدم حجیت باب مسدود است؛ لذا بحث بسیار پر فائده ایی است بحث حجیت خبر واحد.

یک نکته ایی را قبل از ورود عرض کنم و بعد فرمایشی را از شیخ طوسی و انصاری اعلی الله مقامهما باید امروز و فردا بررسی کنیم.

آن نکته این است که عنوان بحث را برخی ترکیب وصفی قرار داده اند: الخبر الواحد. بعضی تاکید اضافی تعبیر می کنند: خبر الواحد.

یک فرق دقیق بین این دو تعبیر است که آیا واحد بودن صفت خبر است یا وصف مخبر؟

گاهی یک مخبر است از این یک مخبر در جاهای مختلف یک روایت را هزار بار نقل کرده اند. گاهی نه، وصف خبر است. یعنی خبر یک جا و دو جا نقل شده است. کدام یک مد نظر است؟

چون خبر واحد را در کنار خبر متواتر قرار می دهند. متواتر آن جاست که مخبر تعدادش زیاد باشد پس خبر واحد هم آن جایی است که مخبر واحد باشد؛ لذا به نظر می رسد همان طور که بعض اعلام عصر فرموده اند خبر الواحد رسا تر از الخبر الواحد است.

چون این بحث ابهاماتی داردکه اساسا مراد قوم چیست؟ من بهتر آن دیدم که از شیخ طوسی شروع کنم اگر چه می توانستیم از سید مرتضی شروع کنیم منتها چون عبارت این جا جامع تر است ما از شیخ طوسی شروع می کنیم. ببینیم اساس بحث خبر واحد در نظر علما اهل سنت و شیعه چیست و اساس بحث کجاست. چون گاهی ما اکتفا می کنیم به کفایه و بعد، بدون این که اساس موضوع تبیین شود.

مهم ترین کتاب اصولی شیخنا الطوسی عده است:

جزء اول؛ صفحه 9؛ فصل چهارم:

اختلف الناس فی خبر الواحد. از نظام نقل می کند که او گفته است خبر واحد اگر در کنارش سببی بود که او را تقویت می کرد. علم ضروری ایجاد می کند. از بعضی از علماء اهل ظاهر نیز نقل شده که خبر واحد موجب علم است. اما متکلمین دیگر و فقهاء دیگر از اصولیین و فقهاء عامه می گویند لا یوجب العلم. حال این گروه بعضی می گویند اصلا نباید به خبر واحد عمل کرد، بعضی می گویند گر چه مفید علم نیست ولی باید عمل کرد و راهی نداریم. آن هایی که می گویند نباید عمل کرد، گروهی استنادشان به عقل است و گروهی استنادشان به نقل. آنهایی که می گویند باید عمل کرد باز گروهی مستندشان عقل است و گروهی مستندشان شرع.

تازه آن هایی که می گویند باید عمل به خبر واحد کرد آیا عدد خاصی مد نظر شان هست؟ بعضی گفته اند یکی کفایت می کند و بعضی گفته اند از یک بیشتر.

صفحه 100 می گوید:

والذی اذهب الیه ان الخبر الواحد لا یوجب العلم و انه کان یجوز ان ترد العبادة بالعمل به عقلا و قد ورد جواز العمل به فی الشرع.

اعتقاد من شیخ طوسی این است که می شود به خبر واحد متعبد شد و تمسک کرد و این جواز تعبد به خبر واحد هم دلیل عقلی دارد و هم دلیل شرعی.

منتها ان ذلک موقوف علی طریق مخصوص و هو ما یرویه من کان من الطائفة المحقة و عادل هم باشد.

از ص 100 تا 126 ادله و اقوال را بررسی می کند.

صفحه 126:

فاما ما اختره من المذهب فهو ان خبر الواحد اذا کان واردا من طریق اصحابنا القائلین بالامامة و کان ذلک مرویاً عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم، او عن واحد من الائمه علیهم السلام.

(این حرف را زد چون اهل سنت خبر صحابی را هم عمل می کنند. می خواهد بگوید نه، خبر باید منتها به معصوم می شود.)

و کان ممن لا یطعن فی روایته و یکون سدیدا فی نقله و لم تکن هناک قرینةٌ علی صحة ما تضمنه الخبر. خبر واحدی که من می گویم حجت است فقط سندش درست باشد کفایت می کند، دیگر نیازی به قرینه ندارد تا روایت را درست کند. من لولا قرینه می گویم حجت است لانه ان کانت هناک قرینة تدل علی صحة ذلک کان الاعتبار بالقرینه و کان ذلک موجبا للعلم.

اگر خبر واحد به اضافه یک قرینه ایی بود ان جا دیگر شما نیستید و خبر واحد آن قرینه است که کار ساز است و چه بسا منجر به علم هم بشود. من آن جا را می گویم که قرینه ایی نباشد.

بعد وارد بحث اجماع می شود به عنوان دلیل خبر واحد که محل بحث ما نیست.

از مجموع کلامی که از ایشان نقل شد استفاده می شود که محل بحث علما در حجیت و عدم حجیت خبر واحد است لولا قرینه.

حال آیا سند در این زمینه چه نقشی دارد ایشان قائل شد که سند باید از امامی موثق باشد . البته ایشان در این زمینه حرف هایی دیگر هم دارد که بعدا بیان می شود.

اما شیخنا الانصاری اعلی الله مقامه ورود بسیار زیبایی به بحث خبر واحد دارد. می فرماید شما وقتی می توانید فتوا بدهید و حکمی شرعی را بیان کنید مستندا به روایات که سه تا مقدمه را درست کرده باشید، تا این سه مقدمه درست نشود مستدلا به روایات نمی توانید فتوا دهید:

1. ثابت شود این کلام از حجت صادر شده است. از معصوم صادر شده است. اگر شک دارید در یکی از این دو جهتی که عرض می کنم به این گفته نمی توان حکم شرعی را مستند کرد .

یکی روایتی گفته قال رسول الله ولی برای شما معلوم نیست که آن حدیث را پیامبر گفته باشد و راه معتبری برای اثبات این ادعا ندارید. دوم آن که اساسا نگفته است از کی است . معلوم نیست معصوم است یا غیر معصوم.

خلاصه آن که ثابت شود که این گفته صدر عن حجة و معصوم.

1. امام در بیان حکم الواقعی باشد. به تعبیر اصولیین جهت درست باشد. روایت تقیه ایی یا مشتمل بر امر امتحانی نباشد.
2. ثابت شود که این الفاظ مراداتشان این است و این است و این. این بدین وسیله است که اولا معنای وضع و لغت را بدانید و ثانیا بدانید گوینده همان معنا لغوی را بیان کرده است نه یک معنای دیگری را.

این ها را با بحث ظواهر و بحث حجیت قول لغوی تمام کردید و آن مقدمه دوم که اصالة الجد باشد ما گفتیم یک اصلی داریم به نام اصل تطبیق مدلول استعمالی با مدلول جدی . حال اگر میخواهید بگویید تقیه ایی است باید دلیل بیاورید.

آنی که جایگاه بحث خبر واحد را بیان می کند خبر واحد است که اصلا آیا این گفته پیامبر یا اماماست یا نه؟

شیخ انصاری مثل گروه زیادی از اصولیین معتقد است که موضوع علم اصول ادله اربعه است . کتاب عقل اجماع و سنت. هیچ جایگاهی از خبر نیست. طبیعتا باید بحث خبر واحد جز مسائل اصول نباشد. ایشان می خواهد هم کاری بکند که موضوع علم اصول مان همان چهارتا باشد و هم این مهمترین بحث اصولی از علم اصول خارج نشود.

این طور مطرح می کند که آیا سنت که یکی از ادله اربعه است با خبر واحد ثابت می شود یا نه؟

اینجا اشکال و دفاعاتی شده است که ما اصلا وارد نمی شویم چون ضرورتی ندارد.

فقط یک جمله و ان اینکه آنچه گفته اند هر علمی موضوعی دارد و در آن علم باید از عوارض ذاتی بحث کرد، این در علوم حقیقی است. در علوم و دانش های دیگر موضوع یعنی محور بحث که مباحث این علم با آن مربوط بشود. اما لزوما جز عوارض ذاتی باشد یا نه، نه نیازی نیست. علم اصول علمی است که از درون فقه بیرون آمده است. آقایان دیده اند که در مسائل فقهیشان یک سری مسائل است که مختص به هیچ یک از ابواب فقه نیست. ان را جدا کرده اند و به آن اصول گفته اند.

ما به تبع مرحوم صدر و آقای آخوند اسمش را گذاشتیم عنصر مشترک. یعنی بحث هایی که در این مساله و این باب تنها به درد نمی خورد و سر تاپای فقه به درد می خورد.

اما از نظر اقوال مرحوم شیخ می گوید :

ثم اعلم که اصل وجوب عمل به اخباری که در کتب ما است جای بحث ندارد و جز ضروری بحث ما است اما در استنباط تمام روایات را میگذارند کنار. اما کدام روایت حجت است و کدام حجت نیست یک بحث دیگر است. نکته دیگر که آخر بحث دارد این است که :

ص 241: و المقصود هنا بیان اثبات حجیته بالخصوص فی الجمله فی مقابل السلب الکلی.

مقصود از بحث در حجیت خبر واحد این است که بگوییم فی الجمله واحد بودن مضر به اعتبار خبر نیست و ما دنبال متواتر فقط نباید باشیم و دنبال قرائن بر اعتبار نباید باشیم. نگویید واحد است. واحد بودن فی الجمله آسیب نمی زند.

ما در بحث خبر واحد می گوییم شما سراغ متواتر فقط نروید و نگویید ماییم و قرائن. آن هایی که می گویند الخبر الواحد حجة معنایشان این است که واحد بودن نقیصه نیست در خبر.

حال محل بحث این است که آیا واحد بودن مضر به حجیت خبر است یا نه؟

ان شاء الله جلسه آتی.

وصلی الله علی سیدنا محمد و اله الطاهرین